

## یادی از تهران قدیم<sup>(۱)</sup>

نویسنده: مجید کاتب  
مجله بررسیهای تاریخی



تهران سوزان امروز در گذشته شهر باغ‌های خرم بود!  
تهران به تعداد سوره‌های قرآن ۱۱۴ برج و بارو داشت!  
هنگام آبادی شهر ری، تهران یکی از دهکده‌های این شهر به شمار می‌رفته است.  
جغرافی نگاران عصر اسلامی پیش از هجوم مغول که (در سال ۶۱۷ هجری اتفاق افتاده) به ری مسافرت کرده‌اند، از تهران به عنوان یک دهکده نام برده‌اند.  
کلمه تهران از دو بخش ته و ران ساخته شده است که ته، تب، تاب، تاو، تپ و تفت همگی به معنی گرم است. کلمات ران، کان، دان، گان، لان، مان نیز همه پسوند مکانی هستند.

تهران هم که در جلگه قرار گرفته و آب و هوای آن نیز گرم‌تر از مناطق کوهستانی است، به این اسم نامیده‌اند و لغت مخالف آن است و در دامنه جنوبی سلسله جبال

البرز قرار گرفته و کلمات شم، سم و چم که بمعنی سرد هستند با پونداران ترکیب شده و به معنی جای خنک و سرد آمده است.

تهران در قرن هفتم دهی آباد و دارای باغات زیاد و آب فراوان بوده است. بنا به تعریف صاحب کتاب عجایب البلدان و قاضی عمادالدین ابویحیی ذکریای رازی که در سال ۶۸۲ وفات یافته است، سکنه‌ی اولیه‌ی این ده در خانه‌های زیر زمینی و سرداب مانند زندگی می‌کردند تا از شدت گرما در امان باشند و هنگامی که دشمن به ایشان حمله ور می‌شد به خانه‌های تحتانی پناه می‌بردند و هر قدر محاصره‌ی آنان به طول می‌انجامید به واسطه آذوقه فراوانی که از راه احتیاط در طول سال ذخیره می‌کردند بیرون آوردن آنان از آن اماکن زیر زمینی کار آسانی نبود و گاهی برای مهاجمین ممکن نمی‌شده است که آنان را از خانه‌های خود خارج سازند.

یاقوت حموی می‌نویسد: «تهران از دهکده‌های شهر ری است و میان این دهکده و ری دو فرسخ فاصله است و خانه‌های آن زیر زمینی ساخته شده و هیچ کس را راهی به این ده نیست مگر مردم دهکده خود بخواهند او را راه بدهند».

حمدالله مستوفی جغرافی دان بزرگ ایرانی در نوشته‌های خود از تهران به عنوان یک قصبه خوش آب و هوا و معتدلی که رو به آبادانی گذاشته یاد می‌کند.

آب و هوای تهران به مناسب نزدیکی به کوهستان خوب تر از آب و هوای ری می‌باشد و مردم پیشین آن به سبب فراوانی آب به کشاورزی و باغداری اشتغال داشته‌اند. احمد رازی در کتاب هفت اقلیم که در سال ۱۱۰۰ هجری تألیف نموده است می‌گوید: «تهران به واسطه آب‌های فراوان و درختان بی شمار و باغات سبز و خرم نظیر بهشت است خاصه بلوک شمیران که در شمال این قریه واقع و به شمع ایران معروف است و از بهترین بیلاقات ایران به شمار می‌آید».

پس از آن که ری در سال ۶۱۷ هجری به دست قبایل مهاجم خراب و ویران و بیشتر مردم آن کشته شدند، بقیه به تهران و ورامین کوچ کردند.

«کلاویخو» که از سوی هانری سوم پادشاه کاستیل اسپانیا سفیر دربار تیمور بود در

سال ۱۴۰۴ میلادی (۸۰۷ هجری) در سفر خود درباره‌ی تهران چنین می‌گوید که جای بسیار بزرگ و خرم و دلگشایی است و نیز می‌گوید روز سه‌شنبه هشتم ژولیه ۱۴۰۴ میلادی هنگام فرو نشستن خورشید از تهران به راه افتادم و پس از پیمودن دو فرسنگ از سوی راست خانه‌های بزرگ دیدم که همه تهی از مردم و ویران بوده‌اند ولی هنوز بسیاری از برج‌های شهر بر پا بوده و همچنین مسجدهای فرو ریخته نمودار بود. آبادی تهران از زمان شاه طهماسب اول پادشاه طهماسب صفوی آغاز گردیده است.

چون شاه طهماسب به جای پدرش شاه اسماعیل سر سلسله‌ی دودمان صفوی به پادشاهی رسید، قزوین را پایتخت خود ساخت و به سبب نزدیکی تهران به ری که مدفن نیای بزرگ صفوی در جوار حضرت عبدالعظیم بود، اغلب برای زیارت به ری مسافرت می‌کرد. در مسافرت‌های خود به تهران علاقمند شد و گاه هنگام عبور در حوالی تهران به شکار می‌پرداخت از این رو کم‌کم به آبادی این دهکده رغبت نمود و در شوال ۱۹۶۱ هجری فرمان داد تا باروی محکمی بدور تهران بکشند و به عدد سوره‌های مبارکه‌ی قرآن ۱۱۴ برج و بارو بنا نهادند و زیر هر برج یک سوره از سوره‌های قرآن مجید دفن کردند. از این تاریخ تهران بصورت شهر درآمد و برای آن چهار دروازه ساختند. این دروازه‌ها عبارت بودند از دروازه ری، دروازه شمیرانات، دروازه قزوین و دروازه دولاب.

چون خاک خندق برای ساختن دو «بارو» و قلعه و برج‌ها کافی نبود، از دو چال خاک برداشتند که یکی به چال میدان و دیگری به چال حصار معروف شد که از همان زمان تا کنون به این اسم نامیده می‌شوند.

تهران از آن تاریخ به بعد وسعت یافت و آباد گردید چنان‌که «پیترو دل‌واله» که در سال ۱۰۲۸ هجری به ایران سفر کرده و تهران را در حال عبور دیده است می‌نویسد «تهران از کاشان بزرگ‌تر است ولی تعداد نفوس آن کم‌تر از سکنه‌ی کاشان می‌باشد و یک سوم از زمین‌های داخلی حصار مسکونی و دو سوم دیگر آن را

باغات تشکیل داده‌اند.»

شاه عباس صفوی در سال ۱۹۹۸ که عازم خراسان بود هنگام عبور از این شهر مریض شد و چون بیماریش مدتی به طول انجامید به علت خاطره‌ی بدی که از تهران داشت از آن متنفر بود.

قبل از هجوم افغان‌ها شاه سلطان حسین مدتی در تهران توقف کرده است و همچنین در سال ۱۱۵۴ هجری نادر شاه افشار تهران را به پسر خود رضا قلی میرزا به تیول داده است.

در سال ۱۱۷۱ هجری محمد حسن خان قاجار پس از شکست خوردن از کریم خان زند به تهران آمد و کریم خان لشکری در پی او فرستاد و محمد حسن خان مغلوب و مقهور شد. پس از این واقعه کریم خان زند در سال ۱۱۷۲ وارد تهران شد و در این شهر به تخت شاهی نشست و در تابستان سال ۱۱۷۳ کریم خان از شمیران دیدن کرد و چون تصمیم داشت به شیراز عزیمت کند به فرمود تا در غیاب او بناهای سلطنتی و دیوانخانه‌ی بزرگی بسازند و می‌خواست که پس از بازگشت از فارس تهران را پایتخت خود سازد لیکن در سال ۱۱۷۶ از تصمیم خود منصرف شد و شیراز را پایتخت خود قرار داد.

چون کریم خان در سال ۱۱۹۳ در شیراز درگذشت آقا محمد شاه قاجار که در شیراز بود خود را به اطراف تهران رسانید و در سال ۱۱۹۳ از مازندران به قصد تسخیر تهران حرکت کرد و با غفور خان حاکم تهران که از طرف کریم خان در زمان حیات وی به حکومت تهران منصوب شده بود جنگ کرد و موفق به تصرف تهران نشد تا این که در سال ۱۱۹۹ تهران توسط باباخان برادرزاده و ولیعهد آغا محمد خان گشوده شد. آغا محمد خان در روز یکشنبه جمادی الاول سال ۱۲۰۰ که مصادف با عید نوروز بود در تهران به تخت پادشاهی نشست و از آن تاریخ تهران رسماً پایتخت شد و چون آغا محمد خان در مدت پادشاهی خود سرگرم جنگ و جدال بود کمتر به امور آبادانی توجه می‌کرد و از طرفی تهران را به واسطه‌ی مرکزیتی که دارا بود و از جهتی نیز به سبب

نزدیکی به استرآباد (گرگان کنونی) که مرکز تجمع قبایل قاجار بود به پایتختی انتخاب کرد تا در مواقع ضروری از یاری و پشتیبانی قبیله‌ی خود بر خوردار شود.

پس از کشته شدن آغا محمد خان ولیعهدش باب خان به نام فتحعلی شاه در سال ۱۲۱۱ به پادشاهی رسید و تهران از زمان این پادشاه رو به آبادی گذارد و هر اندازه به بزرگی تهران افزوده می‌شد از مصالح ویرانه‌های ری می‌کاست زیرا آثار باقیمانده‌ی ری که روزی بزرگترین شهر ایران زمین بود یک سره ویران شده بود و کسی در آن زیست نمی‌کرد. امید آن بود که ویرانه‌های ری پس از حملات مغول و تیمور همچنان بر پای بمانند و نمودار روزگاران پیش و گویای آن همه سرگذشت‌ها باشند اما گردش زمانه نتوانست آن آثار باستانی ارزنده که امروز مایه‌ی سرافرازی ما بوده و شکوه و جلال دوران پیشین را جلوه گر می‌سازد برای ما حفظ نماید.

در آن زمان کسی از ارزش آن بناهای تاریخی آگاه نبود به همین نسبت از کاروان‌هایی که مرتباً به تهران و ری در حرکت بودند و بناهای باقیمانده شهر ری را ویران ساخته و آجرها و کاشی‌های آن را به تهران حمل می‌کردند جلوگیری به عمل نمی‌آمد.

در زمان پادشاهی فتحعلی شاه جمعیت تهران به ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر افزایش یافت و بناهای زیادی ساخته شد و از جمله مسجد جامع تهران - مسجد شاه - مسجد سلطانی و بنایی چند به کاخ سلطنتی نیز افزوده شد.

امور شهر در زمان پادشاهی فتحعلی شاه قاجار با بیگ‌بیگی بوده است.

بنا به نوشته «موریه» تهران در زمان سلطنت فتحعلی شاه شش دروازه داشته است

که عبارت بودند از:

۱- دروازه شمیران ۲- دروازه شمال ارک ۳- دروازه قزوین ۴- دروازه دولاب ۵- دروازه محمدیه ۶- دروازه ری و همچنین چندین بازار و میدان در مرکز شهر احداث گردیده بود که معروف‌ترین آنها عبارت بودند از: میدان حصیر بافها، میدان اسب فروش‌ها در حوالی سید اسماعیل و سبز میدان محل دادو ستد مردم به شمار می‌رفته است و محله‌های مهم تهران عبارت بودند از: محله ارک، چاله میدان،

بازار سنگلیج و عودلاجان که پر جمعیت‌ترین محله بوده است و هر محل دارای چند چهارسوق و گذر بود که برگزاری و امنیت آنها به کدخدایان و داروغه محول گردیده بود. شهر کم‌کم طرف شمال توسعه یافت و به چشمه‌های قنوات نزدیک شد و عمارات سلطنتی نگارستان را در این زمان در طرح شهرها بنا نموده بودند. ارک که دربار سلطنت و ادارات دولتی در آن قرار گرفته بود، دیوارهای گلی داشت و دارای پنج دروازه در مدخل‌های خیابان‌های فعلی وجود داشت در این میدان انبارهای بزرگی برای نگهداری توپ ساخته بودند به همین سبب به آن میدان توپخانه می‌گفتند.

پس از فتحعلی شاه محمد شاه فرزند عباس میرزا و ولیعهد وی به سلطنت رسید و طی ۱۴ سال سلطنت چند عمارت در تهران و شمیران بنا گردید که مجلل‌تر از همه کاخ محمدیه بود که هنوز تالار آن در باغ فردوس شمیران باقی است و از معماری‌های اوایل دوره قاجار محسوب می‌گردد.

پس از محمد شاه در زمان ناصرالدین شاه تغییرات کلی در تهران بوجود آمد و شهر وسیع‌تر و پر جمعیت‌تر گردید و در عهد وی در دارالحکومه تهران اداره‌ای به نام امور احتسابیه برای اداره امور شهر تهران تأسیس گردید. وظایف اداره‌ی امور احتسابیه رسیدگی به امور نظافت و رفت و روب و اداره ارزاق عمومی و روشنایی شهر بود.

ناصرالدین شاه برای این که شهر از وضع نامناسب خود که مانند شهرهای قرون وسطایی بود خارج شود و وسعت یابد دستور داد برای شهر تهران با همکاری مهندسان خارجی نقشه‌ای تهیه کنند و بر اساس نقشه‌ی جدید میرزا عیسی وزیر مأمور شد که برج و باروهای دوران شاه ظهماسب را در هم کوبیده و برای تهران خندق و دروازه‌ی جدید بسازد. میرزا عیسی وزیر در این امر موفق شد و تهران به جای چهار دروازه‌ی زمان شاه ظهماسب دارای دوازده دروازه شد که عبارت بودند از:

- ۱- دروازه یوسف آباد در امتداد خیابان شاهپور - یوسف آباد در محل فعلی چهارراه کالج
- ۲- دروازه دولت
- ۳- دروازه شمیران
- ۴- دروازه دوشان تپه
- ۵- دروازه دولاب
- ۶- دروازه خراسان
- ۷- دروازه حضرت عبدالعظیم

۸- دروازه غار ۹- دروازه گمرک ۱۰- دروازه قزوین ۱۱- دروازه باغ شاه تهران.

بدین گونه به شکل هشت گوشه درآمد و خندقی در اطراف آن حفر نمودند و چند خیابان به طرز خیابان‌های اروپایی در تهران احداث گردید از جمله خیابان باب همایون - سردر الماسیه - خیابان ناصریه - خیابان لاله زار - خیابان امیریه - خیابان برق - خیابان علاء الدوله و خیابان بهارستان و برای تنظیف شهر تهران و تامین نیازمندی‌های آن مدتها اعتماد السلطنه و سپس نایب السلطنه و بعدها میرزا عیسی وزیر، امور احتسابیه را بر عهده داشتند و در این زمان برای روشنایی تهران نخست کارخانه گاز به تهران آورده شد ولی عملی نگردید و سپس کارخانه‌ی کوچکی در خیابان برق (خیابان امیر کبیر فعلی) بکار افتاد که تنها خیابان لاله زار و میدان توپخانه و باب همایون و ساختمان‌های سلطنتی را روشن می‌کرد.

اداره احتسابیه در این زمان وظایف بسیار معدود و محدودی داشت زیرا امور ارزاق را کدخدایان اصناف در اختیار داشتند و رئیس احتسابیه مأمور ابلاغ نظرات دولت به آنها و ناظر اجرای اوامر صادره بود.

در زمان پادشاهی ناصرالدین شاه شهر تهران رو به آبادی رفت و عمارات و ابنیه بسیار در آن ساخته شد و بر عمارات سلطنتی افزوده گشت.

ساختمان مسجد سپهسالار، بهارستان کاخ گلستان، شمس العماره در پنج طبقه و دارالفنون و ساختمان‌های بسیار دیگری در شهر به همت امیر کبیر صدراعظم وقت ساخته شد و نیز کاخ‌های صاحبقرانیه، قصر فیروزه در نیاوران و کلاه فرنگی عشرت آباد (که امروزه در داخل سرباز خانه واقع در خیابان شمیران قرار گرفته است) و باغ شاه، تکیه دولت، تعدادی از بازارهای و کاروانسراها و آب انبارها و سراهای تجارتهی از یادگارهای زمان ناصرالدین شاه است که شرح بناهای تاریخی آن در همین مقاله از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت.

از ابتدای سلطنت سلسله قاجاریه در داخل و خارج شهر مخصوصاً در بخش شمال

- ارک دولتی باغ‌های وسیع بوجود آمده بود که معروف‌ترین آنها عبارت بودند از:
- ۱- باغ نگارستان در چهار راه هدایت، این باغ در زمان فتحعلی شاه ایجاد گشت و بناهای متعدد و جالب در آن ساخته شد و در ضلع جنوبی این باغ که شمال میدان بهارستان کنونی باشد بالاخانه‌هایی بالای سر در باغ ساخته شده بود.
  - ۲- باغ لاله زار در تمام طول خیابان لاله زار قدیمی (کهنه) از چهار راه اکباتان تا چهار راه مخبر الدوله واقع بوده است و به دربار سلطنتی تعلق داشته و بهترین گردشگاه ناصرالدین شاه بوده و شاه روز سیزده عید را در آن جامی گذرانید.
  - ۳- باغ نظامیه در جنوب میدان بهارستان واقع بوده است که بناهای وزارت آموزش و پرورش و بناهای خیابان اکتابان تا سرچشمه کنونی در آن واقع شده بوده‌اند.
  - ۴- پارک امین الدوله که سه راه امین حضور و خیابان سپهر در آن قرار گرفته است.
  - ۵- پارک ظل السلطان بین خیابان هدایت و صفی علیشاه که دروازه دولت و بناهای هنرهای زیبا و دانشکده ادبیات قدیمی و کوچه ظهیر الاسلام تا خیابان هدایت در آن واقع شده‌اند.
  - ۶- باغ سپهدار شامل محله ولی آباد امروز.
  - ۷- باغ سپهسالار که امروز خیابان معروف باغ سپهسالار از این محل می‌گذرد.
  - ۸- باغ اتابک که محل سفارت شوروی امروز است.
  - ۹- باغ امیریه بین سپه و امیریه و منیریه.
- پس از ناصرالدین شاه اقدامات اساسی برای امور شهر انجام نگرفت تا این که رضا شاه کبیر مصمم شدند که شهر تهران را هم پایه‌ی شهرهای تازه ساز و قشنگ قرن بیستم بسازند.
- برای تأمین این نظر لازم بود که شهرداری (بلدیه آن وقت) با قدرت و سرعت دست بکار تهیه نقشه‌ای برای ایجاد خیابان‌های تازه بشود و با درهم کوبیدن محلات و کوچه و پس کوچه‌های اوریب و تنگ و تاریک تهران را از نظر آمد و شد برای حرکت و وسایط نقلیه موتوری آماده سازد. قبل از تشکیلات بلدیة رسمی (۱۲۰۰) شهر تهران جز



چند خیابان محدود کالسکه رو که در میان این خیابان‌ها هم خط واگن اسبی (متعلق به کمپانی بلژیکی) قرار داشت، بقیه محلات شهر به وسیله کوچه‌های باریکی که فقط عبور پیاده از آن ممکن بود به یکدیگر متصل بودند.

اقدام دیگر برداشتن خندق بود که شهر را در میان گرفته و گسترش آن را با دشواری مواجه می‌کرد که تا سال ۱۳۰۹ به تدریج قسمتی از آن پر شد و کار بقیه هم تا سال ۱۳۱۸ به پایان رسید. مهم‌تر از همه تأمین آب مشروب برای تهران بود که از سال‌ها قبل از آن این شهر دچار مضیقه‌ی آب مشروب بود و تا آب کافی برای شهر در نظر گرفته نمی‌شد و سعت شهر امکان نداشت.

بلدیه‌ی تهران به فرمان شاهنشاه رضا شاه کبیر در این امر مهم مشغول به اقدام شد و از نظر تاریخی به جاست عین شرحی که بلدیه تهران در سالنامه ۱۳۰۶ خود تحت عنوان «آب شهر در قرن اخیر - مجرای کرج» درج کرده است و از نکات تاریخی و تحقیقی خالی نیست برای مزید اطلاع خوانندگان گرامی بگذرد:

«قریب ۹۰ سال است که موضوع آب تهران نظر اولیاء امر را جلب و در هر تاریخی در صدد تهیه آن بوده‌اند.

در اواسط سلطنت محمد شاه قاجار که تهران بیش از پنجاه هزار نفر جمعیت نداشت و از حیث وسعت هم لااقل سه ربع کوچکتر از امروز بود (۱۳۰۶ هجری قمری) حاجی میرزا آقاسی دو نهر بزرگ از رودخانه کرج مشتق و به تهران آورده است. یکی نهری است که از همه جا از دامنه البرز عبور و از شمال قریه طرشت گذشته به عباس آباد منتهی می‌شد و هنوز آثار کرت و مرز آن باقی است.

در این نهر به موجب مدارک صحیحه ۹ سهم رودخانه حق آبه‌ی تهران از رودخانه کرج بوده است ولی پس از برچیده شدن بساط قدرت و قوت حاجی میرزا آقاسی یک چنین شریان حیاتی قطع و جریان آن به تهران موقوف گردید.

آثار نهر مذکور هنوز کاملاً بر جا و باز هم ممکن است قابل استفاده شود لیکن با مخارج هنگفت. دومی نهری است که همه جا از زیر جاده کنونی قزوین گذشته و به

قریه‌ی یافت آباد که از ساخته‌های حاجی میرزا آقاسی است می‌رسد و به همین اسم موسوم و تا حال دایر است.

مدتی گذشت و تهران با چند رشته قنات وقفی و قنات شاه که آن هم وقف است در نهایت ذلت و سختی به سر برد تا آن که مرحوم میرزا عیسی وزیر که شهر را به بزرگی امروز وسعت داد خطر تشنگی پایتخت را به خوبی احساس کرده و با وجود این که قدرت مالیش به واسطه‌ی حفر خندق تمام شده بود معذک به هر وسیله‌ای که بود قنات بسیار حفر نموده که هم اکنون بعضی از آنها به حق و بعضی به ناحق در تصرف اشخاص است و برای هر رشته قنات اسمی گذاشته‌اند.»

از اواخر دوره ناصر الدین شاه چند نفر خارجی موفق به اخذ امتیاز حفر چاه‌های آرتزین گردیدند و در شمال شهر مشغول شدند لیکن مته‌ی چاه کنی شکست و به علت نبودن راه شوسه و اشکالات فوق العاده که در حمل و نقل آلات و ابزار فراهم بود، پس از تحمل خسارت از تعقیب مقصود مأیوس و منصرف شدند.

در دوره مظفر الدین شاه و سایر شاهان قاجار هم اقدامی برای آوردن آب به عمل نیامد تا این که در زمان سلطنت رضا شاه کبیر بلدیة‌ی تهران بر مشکلات تهیه آب و روشنایی تهران فایق آمد.